

# تحقیقات ادبی

بقلم آقای محمدتقی دانش پژوه

## فوشتمه دای بابا افضل

-۲-

۹- شرح و ترجمه پارسی حی بن یقظان : نسخه ای از این شرح را که در دهلی و شاه جهان آباد بسال ۱۰۷۷ مقابله شده بود بمصر السلطنه در ۱۳۱۱ دیده و در دیباچه چاپ خویش از سازوپیرایه شاهان و سبب نامه از آن یاد نمود و نسخه ای از آن در کتابخانه ملک تهران هست (ذریعه ج ۷ ص ۱۲۹)

۱۰- شرح فصوص الحکم : ابن عربی (۶۳۸م) که آقای سعید نفیسی در دیباچه رباعیات بابا افضل ص ۱۷۸ از آن یاد نمود مگر اینکه باید دید که از عبدالرزاق کاشی نباشد

۱۱- عرض نامه : در کتابخانه مجلس نسخه شماره ۶۷۱/۱۲ و در طوس ش ۶ ص ۳۳۴ ج ۲ و ش ۸۹۲ و ۸۹۳ ج ۴ و در دانشگاه ش ۶/۳۴ ک ۵۸ ب-۱۰۴ و ۳۱/۱۸ ک ۱۸۱ الف - ۱۶۴ الف هست فیض کاشانی در عین البقین چاپ تهران با علم البقین او بسال ۱۳۰۳ ص ۲۵۰ دلیلی بسیار نغز و رسا برای یکی بودن دانا و دانائی از بابا افضل بتازی میآورد و همین دلیل در عرض نامه در عرض ۴ ص ۱۴ ص ۲۳۲-س ۴ ص ۲۳۳ چاپی و ک ۲۵۶ ب ۳۱/۱۸ و ک ۹۸ ش ۶/۳۴ دانشگاه پیارسی شیوانی دیده میشود

۱۲- مدارج کمال با گشایش نامه: از این کتاب کاشانی در برخی از گفتارهای خود بنام هشت دریا فنوح هشت دریاد نمود و متن تازی آن که بشماره ۱۰۳۳/۱۱ تاریخ ۱۰۸۴ ک ۳۰ ب-۴ الف در دانشگاه هست و بسیار شیرین و شیوا است و ترجمه پارسی آن در مجلس ص ۶۲۱/۱۳ و در طوس ش ۶-۴ تا ۱۰ و در دانشگاه ش ۹/۲ ک ۸۲ ب-۱۹۷ الف و ۳۱/۲ ک ۲۸۶ ب-۳۲۱ الف و ۳۶/۹ ک ۷۷ ب-۱۸۹ الف هست

از بابان مدارج پیدا است که آن را نخست بتازی نوشته سپس بدرخواست خواجه شمس الدین محمد درواگوش پیارسی کرد و تازی را با سمد نسائی بخشید این بند پایان نسخه در چاپی کنونی آورده نشد !! کاشانی با این پیرو خویش بسیار دلبستگی داشت و کتابهایی مانند رساله جامعه (مدارج الکمال) و زجر النفس برای او میفرستاد و در نامه ای که (ش ۷/۲۸ و ۴۳۸/۱۴) بدومی نویسد از ده انجام نامه یاد میکند و عنوانهای فتح و تا ۷ متن تازی مدارج الکمال را میآورد پس دو گواهِ روشن از خود کاشانی داریم که متن تازی از خود او است

۱۳- اتمه یقید للمستفید : این دفتر را تقوی از روی تنها نسخه کتابخانه سلطنتی در چاپخانه ارمغان تهران بسال ۱۳۱۰ خ چاپ رساند و در کتابخانه دانشگاه در ص ۳۱۶ ش ۳۰۳ باره ای از باب دوم این کتاب برابر با ص ۲۷۶-ص ۲۸ چاپ تهران دیده میشود که ازغزالی دانسته شده

۱۴- مبادی و موجودات : این کتاب در مجله جلوه شماره ۳ سال ۲ تاریخ شهریور ۱۳۲۴ خ

ص ۲۸-۱۲۱ از روی دونسخه تاریخ ۱۰۸۳ و ۱۰۹۲ بچاپ رسید و نسخه‌ای از آن در مجلس ش ۶۲۳/۱۱ و طوس ش ۹۶۹ و ۹۷۰ و در دانشگاه ش ۲۸/۱۰ ک ۴۶۵ الف - ۷۱ هـ است

**۹۵- المنهاج المبین:** این کتاب در منطق و بیاری شیوا و شیرین است و در پایان نسخه آقای سعید نفیسی «ترجمه المنهاج المبین لاصابة اليقين» نامیده شده و در کتابخانه سپهسالار به شماره ۱۲۱۵ ص ۱۳۱-۱۷۷ نسخه‌ای از آن هست که از پایان کم دارد. کتابی بنام «العلم والنطق» از شیخ رئیس در سپهسالار ش ۱۹۲۲ ک ۳۰۳-۳۱۵ هست که آنهم بر کهای پایان را ندارد و در آورده‌اند و قنوائی در ش ۴۸ ص ۱۸ نیز از نسخه‌های بروکلن 57 و موله بریتانیا ش ۱۳۴۹/۵ ق ۶۱-۱۰۶ از همین کتاب یاد نمود کویا کاشانی این «العلم والنطق» را پیش چشم داشت و منهاج خود را نوشت و ایندو بسیار بهم نزدیکند ولی نه تا آن اندازه که این یکی ترجمه پارسی آن باشد. خود کاشانی در ص ۳۷ و ۳۸ و ۵۲ چاپ ۱۳۱۵ (ص ۷۶ و ۶۲ چاپ تازه) ره انجام نامه به «منهاج مبین» بازگشت داده است

نسخه با کیزه دیگری از منهاج مبین در کتابخانه مدرسه خان مروی به شماره ۸۷۴ تاریخ ۱۰۷۳ هست کاشانی این منطق را بروش متاخران نگاشته و در هنرهای پنجگانه بکوتاهی پرداخت او درباره قیاس خلف را تازه‌ای آورد و آنرا بقیاس حملی اقتزانی و استثنائی برگرداند تا در آن بقیاس شرطی اقتزانی که ارسطو از آن یاد نکرد نیازی نباشد و این را خواجه طوسی در اشاره ۴ نهج ۸ شرح منطق اشارات آورده و از کاشانی دانست و قطب شیرازی در شرح حکمت اشراق ص ۱۱۷ سه راه درباره قیاس خلف یاد نمود که صدرای شیرازی در حاشیه آن ص ۱۱۷ میگوید که سومی آنها همان است که طوسی از کاشانی آورد. این کمونه در شرح تلویحات در برابر راهی که شیخ رئیس و سهروردی یاد نموده‌اند دو راه آورده و قطب شیرازی سومین را بر آن افزوده است این راه کاشانی در فصل تالیف قیاس باب دوم پایان مرتبه ششم در تالیف از قضایا، بسیط و مرکب در بحث از خلف دیده میشود

**۹۶- ینبوع الحیوة:** چهارده فصل که از هرمس پنداشته‌اند بزبان تازی هست و گاهی آنرا زجر النفس یا معاتبة النفس یا ینبوع الحکمة خوانده و باره‌ای هم آنرا از سقراط یا افلاطون یا ارسطو دانسته و از پیشوایان شیعی نیز آنرا روایت نمودند این هرمس دانشمند افسانه‌ای یونانی را که یهودی‌ها او را با ادریس پیامبر خود یکی ساختند هرمس مثلث (بالحکمة والنبوة والسلطنة یا مثلث بستاره شناسی و پزشکی و کیمیاگری) و هرمس الهمرامسه نیز خوانده‌اند خزرجی در هیون الانباء ج ۱ ص ۹۱-۹۴ از معاتبة النفس سقراط و افلاطون یاد نمود

متن تازی را باردنهایو در Bardenhewer در بون Bonae سال ۱۸۷۳ بنام زجر النفس چاپ نمود (دائرة المعارف اسلامی) و چندین بار تا ۱۹۰۳ در بیروت بتصحیح خوری فیلیهون کتاب چاپ کردید (خضیری در رسالة الاسلام) و نسخه آن در سیزده فصل در دانشگاه ش ۱۳ / ۱۰۳۳ ک ۶۳ ب- ۸۴ ب و ش ۲۷ / ۱۰۳۵ ص ۲۴۳ از فصل ۲ و ۳ که از افلاطون دانسته شده و ش ۸۸۱/۵ تاریخ ۱۰۰۳ ک ۱۳ ب- ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ و در مجلس ش ۴۰ / ۴-۳۴ ک ۹۰۶ هست کاشانی این کتاب را در سیزده فصل یافت و بیاری کرد و یک نسخه از آن در مجلس ش ۱۶ / ۶۲۳ و سه نسخه در دانشگاه ش ۱۱ / ۲۰۴ ک

۱۰۵ ب- ۱۲۲ الف و ۲۰۴ ک ۱۳ الف - ۷۵ الف و ۱۰۶ / ۱۸ ک ۸۱ ب- ۹۳ الف هست

پاسخ پیرش: منتخب الدین هراسگانی که از شاگردان و پیروان کاشانی بوده چون از

اودور گردید بازده پرسش کرده و برای استاد فرستاد وی همه را پاسخ نوشت و خود در گذشت و آنها را پس از مرگ او از مرق برای هراسگانی فرستادند اینها باز پسین نگارش کاشانی بشمار می‌باشد . پرسش ۷ و ۸ در باره سخنان غزالی است در کیمیای سعادت در این که روان نمی‌میرد و خدا در کیتی دانستنی است و در آنچه‌ها دیدنی نه با دیدار اینجهانی اینها را مردم نپسندید و بر غزالی نفرین فرستادند و بد کیش خواندند هراسگانی از استاد که خود کیمیا را گزین نمود اینها را پرسید باز از استاد گزارش چند آیت و خبری را پرسید و او گفت آنچه بر زبانم نرفته گزارش گفتن کزاف است مگر اینکه آنچه از آنها دریافتم بر گویم . آقای نفیسی در ص ۶۹ و ۷۰ دیباچه رباعیات کاشانی از این نامه یاد نمود (فهرست نامها) نسخه‌ای از این پاسخ و پرسش شماره های ۲/۲۸۴ تا تاریخ ۱۰۸۳ ک ۱۰ ب - ۱۴ و ۱۷/۳۱ تاریخ ۱۳۰۲ ک ۱۲۴ الف - ۱۳۲ در کتابخانه دانشگاه هست و دو نسخه یکسان نیستند

**نامه ۵:** از کاشانی شش نامه در کتابخانه دانشگاه هست و آقای نفیسی در دیباچه رباعیات از پنج نامه یاد نمود و گفته که همه آنها در نسخه شماره ۶۹۴ / ۶۲۳ کتابخانه مجلس تهران هست

۱ نامه ای بشاگرد خودخواه شمس‌امدین مجدالاسلام محمد درواکوش (ش ۳/۲۸ ک ۱۴ ب - ۱۶ ب دانشگاه - ش ۸ ص ۳۳۵ ج ۲ فهرست طوس )

۲ نامه دیگر بدرواکوش که در آن از فتوح هشت یا مدارج الکمال و ره انجام نامه یاد میکند (ش ۹ ص ۳۳۴ ج ۲ طوس - ش ۷/۲۸ ک ۲۶ الف - ۲۹ ب و ۱۴/۳۱ ک ۱۶۳ ب ۱۶۸ ب دانشگاه)

۳ نامه دیگر بدرواکوش که در آن از رساله جامعه (مدارج الکمال) و جز النفس یاد میکند (ش ۹۱ ج ۲ ص ۳۳۵ و ۳۳۹ ج ۴ طوس و ش ۱۷/۳۱ ک ۱۷۹ الف - ۱۸۰ ب دانشگاه ) این نامه را آقای نفیسی یاد نکرده‌اند

۴ نامه ای فیلسوفانه بدوستی (ش ۱۱ ص ۳۳۵ طوس و ش ۶/۲۸ ک ۲۱ الف - ۲۶ الف و ۱۵/۳۱ ک ۱۶۹ الف - ۷۶ ب دانشگاه)

۵ نامه به صاحب سعید صدر الصدور وزیر مجدالدین محمد عبدالله که در ۶ سالگی نگاشته است (ش ۵/۲۸ ک ۱۷ ب - ۱۱ الف دانشگاه)

۶ نامه ای در پرسش و دلجوئی از صدر سعید تاج الدین محمد نوش آبادی که در آن از فصول جز النفس یاد نمود (ش ۴/۲۸ ک ۱۶ ب - ۱۷ ب و ۱۶/۳۱ ک ۱۷۶ ب - ۱۷۹ الف دانشگاه)

**گفتار:** این بود ۱۶ دفتر باری و تازی و یک پاسخ و پرسش و شش نامه که فرزانه کاشانی بیاد کار گذارده است گذشته از اینها چندین گفتار کوتاه از ایندانشمند مانده که نسخه‌هایی از آنها در کتابخانه های مجلس و طوس هست . از آنها در کتابخانه دانشگاه ۳۰ گفتار باری و تازی هست و پس از سنجش آنها با ۳۲ گفتاری که آقای نفیسی در دیباچه رباعیات یاد نموده‌اند و یاد و گفتار تازی که در ج ۴ فهرست طوس (ص ۱۰۱ ش ۵۷۳) یاد شده دانسته شد که نزدیک به ۴۰ گفتار کوتاه که

در هر يك از يك مطلبی گفتگو میشود از کاشانی بیاد کارماند و شاید اگر کتابخانه ها جنکها و مجموعه را بیاد کردن آغاز و انجام هر بند و گفتار جدا گانه فهرست بدهند بیشتر از اینها پیدا شود. این را هم بگوئیم که در کتابخانه دانشگاه دو نامه یا پاسخ و پرسشی است از خواجه زین الدین نسوی و قاضی صفی بن علی و ند کلی که در فهرست مجلس (ج ۲ ص ۳۸۳ ش ۶۹۴ - ۶۲۳/۱۰) از یکی از آندویاد شد و این دو نامه در جنکها تیکه نوشته های کاشانی در آن هست دیده میشود و يك بند از آنها هم در نسخه ها در شمار کتارهای کوناه کاشانی آمده است پس باید دید که کاشانی بانسوی و وند کلی چه بستگی باهم دارند

### چند یاد آوری و درخواست :

۱- دانسته شد که مدارج الکمال عربی از خود کاشانی است و چون آنهم بسیار شیوا نوشته شده بجاست که در جلد دوم «مصنفات» بچاپ برسد تا همه نگارهای فیلسوف ایرانی در دسترس همگان باشد بلکه اگر دانشگاه «آیات الصنعه» او را بطرز بهتری دو باره چاپ کند بسیار نیک خواهد بود.

۲- دانسته شد که رساله نفس کاشانی ترجمه تلخیص اسحاق بن حنین است از کتاب النفس ارسطو و اگر عکس نسخه اسکودبال را بدست آورند در تصحیح متن پارسی کمک شایانی خواهد داد و چاپ کردن آنهم برای رشته فلسفه دانشکده ادبیات بسیار مناسب میباشد

۳- گفته شد که مناجح مبین کاشانی با «العلم والنطق» ابن سینا بی ارتباط نیست اگر آن هم بچاپ میرسد هم برای دانشجویان فلسفه سودمند میباشد و هم یکی از کارهای دانشگاه در هزاره بشمار میآید

۴- انتظار میرود که در جلد دوم آنچه ریخته کلک کاشانی است خواه پارسی یا تازی در دسترس همگان درآید و فهرست لغت های علمی پارسی که کاشانی بجای این همه لغت های تازی بکار برده و ایرانیان را از بکار بردن آنها تا در نگارهای فلسفی هم سخت بی نیاد نموده است در پایان دوره نگارهای او نیز باشد

### شاگردی کردن

علم از استاد حاصل کن که از روی کتاب  
توانی نقطه علمی علم بحاصل کردن  
همچو مرغی که خروسش نبود خایه کند  
چوره نتواند از آن خایه برون آوردن  
بود آن کس که با استادان از راه علوم  
نهد از بی شاگردی کردن گردن

دهقان علی شطرنجی